

"شهادت رفقا و تیسر باران آنها بدست دشمن
نی تواند از قدرت سازمان و فعالیت آن
بکاهد چه جای خیالی رفقا را کسانس که
سازمان می پیوندند پسر می کنند و سلاح آنها
را در دست مسی گیرند"
از " نامه به رفیق مادر "
(فرزنده ۱۱ ساله رفیق مادر)

آری، آری، خلق بر میخیزد

زمین بلرزه درآمد، "مرگ بر مزدوران..."
فریاد ناتمام ماند.

صدای انفجار مهیب بود، دشمن بهراس افتاد.
رفیق بچه خروشی برآورد، این رفیق مادر است، افتخار بر او.
پایگاه در محاصره مزدوران است، بسیج دشمن باور نکردنی است،
روحیه رفقا عالی است.

رفیق مسئول آخرین وظیفه سازمانی رفقا را یادآوری می کند.
رفقا هیچ چیز سالم بدست دشمن نیافتند.
یک جریک زنده دستگیر نمی شود، یک جریک هرگز تسلیم نمی شود.
مدارک می سوزد، کلیه وسائل بلا استفاده است.
دشمن سرد است.

رفیق مسئول ندا می دهد:
رفقا سلاح برگزید، آماده اجرای طرح فرار باشید.
لحظه با شکوه زندگیمان فرا رسیده است،
"بلشویک وار بیاید جنگید چه کند بر دل چون آتش ما، آتش تیر".
آتش کشیده می شود، نبرد در می گیرد،
فریاد رزم آوری رفقا در محله می پیچد.

سرگرد بر مزدوران، پیروز باد انقلاب مسلحانه خلق،
جسارت بساد کمونیسم.

رفقا مشغول اجرای طرح فرارند، حلقه محاصره تنگ تر می شود.
رفیق بچه تیر می خورد، زخمی است، فریاد بر می آورد:
تا پای جان می جنگم، پیروز باد راه خلق،
ساعتها می گذرد، همسایه ها خموشند، رفقا در جوش خروشانند.
مزدوران پست از شجاعت بیگانگان خلق مات و مبهوت اند.
دشمن دیوانه وار بهر سوی شلیک می کند.

رگبار مسلسل رفیق دختر مزدوران را میخکوب کرده است.
رفیق مسئول چند کوبه آنطرف تر در جنگ وگزیسز است.
رفیق بچه به مقابله مشغول است.

فریاد پیروز بساد انقلاب مسلحانه رفیق بچه ناتمام ماند.
رفیق بچه شهید شده است، افتخار بر او...
آوای شلیک رفیق مسئول بناگاه خاموش می شود.

فشنگ هایش باخبر رسیده است.

"انقلاب ایران همچون درخت تناوری است که ریشه های قطور
در دل خاک وطن جای دارد.
پسر من و نظایر پسر من تنها شاخه های این درخت هستند
و دشمن تنها می تواند شاخه های این درخت را بزند ولی ریشه
همچنان پا برجاست و با زدن هر شاخه، شاخه های بسیاری
خواهند روئید پس من از مرگ فرزندم دلگیر نیستم، امید
من به شاخه های جدید است."

مادر رفیق شهید غفور حسن بود

مبارزه مسلحانه در گوره، راه پابی بسیج خلق

کارگر مسلحانه مبارزه می کنند و در این راه خونین، از فد اکردن جان
خود باکی ندارند. خلق در فریاد های "مرگ بر شاه و امپریالیسم"،
"زنده باد زحمتکشان"، "جریکها"، که در اوایلین دم زندگی پیروز
افتخار این رهگشایان راه خلق در فضای جامعه طنین می افکند،
آوای خویش را می شنوند.

مردم جهان و نیروهای شرقی حتی با خواندن اخبار ساخته
و پرداخته خود رژیم که توسط خبرگزداریهای پخش شده است،
میتوانند بواقعیات مبارزه ای که در جریان است و همچنین وسعت و
تداوم مبارزه مسلحانه در ایران بی ببرند. بدین ترتیب بنبر و واقعی
که بین نیروهای خلق و ضد خلق در خیابانهای پایتخت و شهرهای
مختلف ایران بوقوع پیوسته، بی برده و بروشنی ببینند که خلقی
بیدار می شود و یکی دیگر از حلقه های زنجیر امپریالیسم جهانی
شروع به گسستن میکند، "طلیحه ظهور وینام دیگری، اما اینبار
در ایران، نمایان میشود.

رژیم شاه خائن، که از او جگری جنبش نوین انقلابی ایران بوحشت
افتاده است، میکوشد تا توسط به حربه هاوشیوه های کیف و بدعی
حال کهنه شده، بین مردم تخم یاس پاشیده و خلق را نسبت به
بیشقراولان خود بد بین نماید. رژیم سعی می کند قدرت سرکوب
خویش را زیر نره بین گذاشته و با حیل و نیرنگ چنین وانمود کند
که بر بخشی از سازمانهای انقلابی تسلط یافته، ولی درست در همین
موقع ناچار است دست خود را رو کرده و بضعف خویش اعتراف کند
و حتی در روزنامه ها و رادایو اعلام میکند که بموجب "قانون" هر صاحب-
خانه ای که نام و نشان مستاجرین خود را با اطلاع مقامات امنیتی نرساند
چنین و چنان خواهد دید و به زندان محکوم خواهد شد. وینا
شاه از روی ناچاری شخصا بضعف دستگاههای سرکوب خود در
مبارزه با گروههای انقلابی اعتراف می کند. همچنین رژیم وابسته
شاه بعبت می گوید سازمانهای پیشتاز انقلابی را بعوامل و کشورهای
خارجی منصوب سازد. غافل از اینکه این عوامفریبی رژیم هم بی
شر است و مردم بخوشی می دانند که این خود رژیم است که تا کلو در
منجلاب خیانت به خلق و نوکری با امپریالیستها فرو رفته است، خلق
و ایمان خلل ناپذیرشان بخلق خویش اعتقاد و اطمینان کامل دارد.
و این یکی از بزرگترین دستاوردهای جنبش نوین انقلابی ایران است.
بنا بر اصل استقلال و عدم وابستگی و انکا، بخلق زحمتکش ایران

در اواخر اردیبهشت امسال طی درگیریهاییکه در سه نقطه
تهران و سه شهر رشت، قزوین و کرج بین انقلابیون مسلح خلق
و مزدوران رژیم شاه بوقوع پیوست ۲۱ رفیق انقلابی شهید شدند.
تا کنون اسامی چهارده نفر از این انقلابیون چریک آشکار شده
است. رژیم شاه مانند همیشه از تلفات واقعی مزدوران خود
پرده ببرد داشته و تنها خبر کشته شدن یک سرهنگ شهربانی، رئیس
کلانتری طلبک، و چهار پاسبان و زخمی شدن رئیس پاسگاه کسن را
منتشر کرده است. ولی اخباری که از ایران می رسد خبر از کشته
شدن وسیع مزدوران رژیم می دهد. این اخبار حاکی است کسه
تلفات نیروهای رژیم بالغ بر ۵۰ نفر است. و رژیم برای جلوگیری
از تضعیف روحیه قوای سرکوب و رسوایی در مقابل مردم از افشا
خود داری کرده است.

در این درگیریها، در بین رفقای چریک حداقل ۶ رفیق دختر
یک رفیق مادر دلیر و دو رفیق پسر سنهای ۱۲ و ۱۴ سال
(فرزندان رفیق مادر شایگان) نیز شرکت داشته اند که تا آخرین
فشنگ و مهمات جنگیده سپس خود را فسادای خلق نمودند. اند.
درگیری هر چریک یا واحد چریکی با مزدوران شاه در عین حال
سختی است بین چریک با خلق خود که نویدی دهد، چریک زنده
است، مبارزه ادامه دارد، پیشاهنگ رشد می کند، اسلحه چریک
بزمین نمی افتد. آری خلق از مبارزه خوین پیشاهنگ خود این را
می فهمد و رژیم شاه خائن و امپریالیستهای غارتگر ناقوس مرگ خود را.
چریک رویا روی با دشمن می جنگد، فدائی می دهد، ولی
صدای ناقوس بلندتری گوید: خلق سازش نمی کند، پیشاهنگ
سلاح به پیش میرود و سرانجام رژیم فاشیستی شاه، ارتجاع و
امپریالیسم نابود خواهد شد.

تأثیری که این درگیریها در سطح جامعه ما و همچنین در افکار
عمومی جهان گذاشته بی نظیر و درخور بررسی و تعمق زیاد است.
وسعت عملیات، طول مدت نبرد، که باعتراف مطبوعات مزدور رژیم
سه ساعت بطول انجامیده و در حقیقت طول نبرد قهرآمیز چریکهای
خلق با عوامل دشمن، بیش از ۶ ساعت بوده است - برای
انبوه مرد میکه ناظر این درگیریها بود، یا غیر مستقیم از جریان امر
وقف یافتند، رویا روشی نبرد پیشقراولان خلق را علیه رژیم شاه
بیش از پیش ملموس تر می کند.

تسوده در مشاهده ات مستقیم خود می بیند که چریکها برای
رهائی توده های محروم و خدمت به آرمانهای والای خلق و طبقه

سرنگون باد رژیم موناگرکو فاشیستی پهلوی و امپریالیستهای حامی آن

صدای انفجار شدیدی بهرآه يك شعار ، جاويد باد كونيستم.....
 رفیق دختر با خوشی می گوید : این رفیق مسئول است ، افتخار بر او .
 رفیق دختر تنهاست ، بخلق می اندیشد ، پیروز باد راه خلق .
 او همچنان خروشان است ،
 آخرین گلوله را بسوی دشمن خلق شلیک می کند .
 نارنجک بر کشیده و به مزدوران حمله می برد .
 پیروز باد راه خلق ، زنده باد کارگر
 * * * * *
 ظهر است ، صدای شلیکها خاموش گشته است .
 اهل محل سر کوجه جمع اند ، مزدوران در تب و تابند .
 زن جوانی می گوید : بچه شان با ادب بود ،
 همیشه بمن سلام می کرد ، مردمان خوبی بودند .
 پیر زنی مامورین را نفرین می کند ،
 پسرجوانی نگاه نفرت باری بجناب سرگرد می کند .
 بقال سر کوجه می گوید :
 دختر در پشت بام دست کم ده مامور کشته است .
 مشتری می گوید : دختر نبود شیر زن بود .
 خبر در شهرها می پیچید ،

"بازهم خرابکاران با مامورین برخورد کردند ."
 در دانشگاه همه می گویند :
 درود بر کسانی که براه خلق ایستادند .
 سر کلاس درس خانم معلم در فکر است ،
 این بچه های خوب چریکهای فرد آیند .
 در کارخانه کارگری می گفت :
 اینان قاتلان صاحب کارخانه جهان جیت اند .
 در قهوه خانه کارگری می گفت :
 من بیکار یکی شان را دیده ام دختر جوانی بود ،
 روزنامه ای بمن داد ، رویش عکس سلسل داشت ، قرمز بود !
 دستفروش پیری می گفت : من هم یکی اش را دیدم ،
 اول ندانستم ، پسر جوانی بود .
 قیمت پرتقال را پرسید ، گفت چند است ؟
 کران بود نخرید ،
 گفت : ما فقیر فقرا را چه به پرتقال خوردن ،
 یکی را پوست کندم ، باو دادم خواست .
 گفتم پول نمیخواهم ، خواست ، باز هم باو گفتم ،
 گرفت و خورد . بعد ماچم کرد ، چشمانش پراشک بود ،

کافندی جایی در آورد ، روی آنهم عکس از سلسل بود !
 بمن داده گفت : زنده باد کارگر و رفت ، دیگر نه بدش .
 گاهی باز فکر می کنم ، عجب جوان خوبی بود ،
 شبیه برادر من هم بسود .
 دوست دستفروشی می گفت :
 من خودم از کسی که جریان را دیده شنیده ام ،
 دخترک می گفته : زنده باد کارگر .
 قهوه چی گفت : آفرین بر این دختر .
 * * * * *
 روزها میگذرند ، مردم بهبود یگر میکنند ،
 هستند کسانی که می جنگند ،
 هستند کسانی که خواهند جنگید .
 مردم از یکدیگر می پرسند تا به کی بنشینیم ؟
 آیا مردم بیا خواهند خواست ؟
 هنوز همه جواب را نمیدانند ، اما
 کم نیستند کسانی که میگویند ،
 آری ، آری ، خلق بر می خیزد !

بقیه مبارزه مسلحانه در کوره راه با پی بسج خلق
 پیشاهنگان انقلابی خلق ، بهمکاری و تعاون متقابل نیروهای انقلابی
 منطقه ، در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم در منطقه معتقدند .
 پیشاهنگان جنبش نوین انقلابی خلق ، از همان آغاز نبرد
 مسلحانه رهائی بخش ، بر اساس منافع مشترک خلقهای ستمکش و اسیر
 منطقه ، صدقانه بهمکاری همه جانبه با نیروهای انقلابی منطقه پیوسته
 با جنبشهای آزادیبخش خلقهای عمان و فلسطین عمل کرده اند .
 این حق مسلم خلقهای تحت ستم و استعمار امپریالیسم است که با
 همکاری و اتحاد منسجم نیروهای خود علیه امپریالیسم غارتگر و
 بران ساز و طبقات ارتجاعی و قدرتهای وابسته بدان مبارزه انقلابی
 مسلحانه مشترک بپروازند .
 شک نیست که درگیریهای حماسه آفرین اخیر حاوی ضررسانی
 سازمانهای انقلابی مسلحانه و بخصوص سازمان چریکهای فدائیس
 خلق بوده است . اما بررسی علمی از شرایط خاص کشورمان و
 آگاهی به آغاز مرحله نوینی که مبارزه مسلحانه پس از پشت سر گذاشتن
 مرحله تثبیت خود در سطح جامعه با آن روبرو است ، ما را باین
 نتیجه منطقی می رساند که وارد آمدن این نوع ضربات امسری
 غیرعادی نیست . بدیهی است که در آغاز هر مرحله از جنبش تا
 کشف قانونمندیهای آن مرحله از مبارزه تحمل ضربات امری طبیعی
 است و با کسب تجربه از این ضربات است که راه مبارزه در هر
 مرحله هموار گردیده و سرانجام راه پیروزی انقلاب خلق پیرو
 می شود . اکنون که مبارزه مسلحانه در راه بسج توده ها قدم گذارده
 است ، توانائی آنها دارد که در جهت تجربه اندوزی با چنین ضرباتی
 مصاف دهد . بی جهت نیست که می بینیم سازمان چریکهای فدائی
 خلق ، این سازمان پیش آهنگ خلق و طبقه کارگر ایران یکسال
 پیش چنین نوشت : " تجربه علمی نشان داد که برای رهگشایی
 هر مرحله نوین مبارزاتی ، جنبش تلفات نسبتاً زیادی را بایستد
 تحمل نماید . " (تکیه از ماست) تجربه اندوزی جنبش از تلفات
 سنگین فاز آغاز ، مرحله تثبیت مبارزه مسلحانه (سال ۵۰) و پشت
 سر گذاشتن آن مرحله پس از کسب این تجارب ، حاکی از صحت این
 حقیقت است . بدیهی است که رشد جنبش انقلابی و وسعت سازمانی آن
 بناچار برخورد آنها با نیروهای دشمن زیاد کرده و تلفات بیشتری را
 از طرفین برود موجب می شود . همانطور که رفتای چریکهای فدائی
 بیان کرده اند تلفات آغاز هر مرحله نوین مبارزاتی برآب سنگین تر
 از دوران پس از آن و بخصوص در پایان مرحله است .
 واقعیت این است که مبارزه مسلحانه پاسخ بیک ضرورت مشخص
 تاریخی مینماید و تا هنگامیکه شرایط عینی و ذهنی برای رشد
 مبارزات مسلحانه وجود دارد ، که این شرایط در کشور ما تا پیروزی

کامل خلق بر ارتجاع و امپریالیسم وجود خواهد داشت . جنبش
 انقلابی مسلحانه در یک پروسه پرفراز و نشیب برشد خود ادامه خواهد
 داد . ریشه مبارزات پیشقراولان خلق در دل خلق بوده و ایسن
 نبوده است که فرزندان پیشگام خود را در درون خود می پروازند .
 تنها کسانی که بعلت دور بودن از محیط پراتیک انقلابی و عدم
 شناخت صحیح از روند مبارزه بطور عام و مبارزه مسلحانه با ویژگیهای
 خاص خود در ایران ندانند ، ممکن است از این درگیریها
 ضربات تاکتیکی دشمن دچار یاس و حیران شوند . از طرفی
 اپورتونیستهایی که در آرزوی شکست جنبش نشسته اند ، با دیدن
 چنین صریح هائی فاتحه جنبش را خوانده و آنرا شکستی استراتژیک
 برای جنبش می دانند . همچنین اپورتونیستهایی که می گویند تنها
 میزان تلفات را هولناک و غیر قابل جبران جلوه داده و باین ترتیب
 اعتبار مبارزه مسلحانه را ، اینبار از زاویه دیگری ، زیر سؤال قرار
 دهند و در مقابل میکوشند مجدداً به تئوری کهنه " توسل به
 نیروهای ماوراء مرزها ، پناه ببرند . پاره ای از آنها اینطور تبلیغ
 می نمایند که راهی جز دخالت جناح معتدل آمریکا وجود ندارد ،
 پاره ای دیگر دخالت شوروی را یگانه راه حل مسالسه می دانند .
 ولی خلق ما بخوبی می داند که اگر امپریالیستها رژیم دست نشانده
 دیگری را جانشین رژیم شاه خائف کنند ، غارت خلق همچنان دنبال
 خواهد شد و تسلط امپریالیستها بر ایران همچنان ادامه خواهد
 یافت . بنابراین با توجه به تضاد رشد یافته خلق و ضد خلق
 چاره ای برای خلق باقی نمی ماند جز اینکه با اتکا به نیروی خود
 و بر محور مبارزه مسلحانه ، رژیم فاشیستی شاه را سرنگ کند و
 راه را برای مرحله بعدی انقلاب فراهم نماید . اکنون دیگر نسه
 تنها عناصر پیشرو و مبارز ، مبارزه مسلحانه را بعنوان تنها راه
 سرنگ کردن رژیم و طبقات ارتجاعی حاکم و قطع نفوذ امپریالیسم
 ضروری می دانند ، بلکه روز بروز بخش وسیعتری از خلق بحقانیت
 این مبارزه می می برد . و در این راه اهمیت استراتژیک نقش محوری
 مبارزه مسلحانه در رابطه با سایر اشکال مبارزه در جامعه ما بیوت
 رسیده است .
 امروز دیگر این حقیقتی است که ، هر مبارزی که بخاک می افتد
 دها مبارز دیگر آماده اند که ، اسلحه او را بگیرند و مبارزه را
 ادامه دهند . شمه چند سال کوشش و پیگیری ، پایبندی
 و پایبندی ، دلوری و جانپازی و فدائی دادن در راه خلق و
 رهگشائی و تثبیت مبارزه مسلحانه در ایران بوده است .
 قدم نهادن در مرحله جدید مبارزه مسلحانه یعنی راه بسج توده
 ها و پل زدن به طبقه کارگر - این طبقه تا بآخر انقلابی - و

پیوند با مبارزات توده ای اقتدار و طبقات خلق ، در شرایط خاص
 کشور ما که دارای آنچنان رژیم فاشیستی است که نظیر آن در جهان
 کمتر است ، کاری است بس دشوار و مستلزم فدائیکارها و ضرباتی
 بی شمار . ولی شک نیست که پیشقراولان خلق با تکیه به پشتیبانی
 بالقوه خلق ، که طی شش سال مبارزه مسلحانه زمینه های بالفعل
 در آمدن آن بمقیاس زیادی فراهم آمده است و بصورت رشد عنصر
 قدر در اغلب حرکات اعتراضی و مطالباتی دانشجویان ، کارگران ،
 دهقانان و سایر اقشار و طبقات خلق مشهود است ، قادر خواهند
 بود این فاز از مبارزه را هم با موفقیتی پشت سر گذاشته و جنبش
 را باز هم بسطح والاتری ارتقا دهند .
 در رابطه با اوجگیری مبارزات مسلحانه پیشقراولان خلق ،
 وظیفه جنبش دانشجویی خارج از کشور و ایرانیان و عناصر میهن
 پرست است که هر چه بیشتر افکار عمومی را در جریان این مبارزات
 و علل پایه ای آن بگذارند . تنها کافی نیست که از اختناق حاکم
 بر ایران و جنایات رژیم شاه سخن گفت - کاری که در حد خود
 لازمست - بلکه ضروری است که مبارزات انقلابی مسلحانه پیشاهنگان
 خلق ، مبارزات اعتراضی و مطالباتی کارگران ، دهقانان - که در
 اغلب موارد بنا بر سرشت سیاسی و شرایط خاص جامعه ایران به
 برخورد های خونین منجر میشود - و مبارزات انقلابی روحانیت شرقی
 و مبارزات و درگیریهای دانشجویان با پلیس ، برجسته شوند و بیک
 کلام ضروری است که دفاع انساندوستانه جای خود را به دفاع سیاسی
 از حقانیت مبارزات و مبارزین بدهد .
 امروز شرکت دختران و زنان انقلابی در مبارزات مسلحانه ، کسه
 بطرز چشم گیری روبه رشد است ، شرکت نوجوانان در مبارزه انقلابی
 و در نبرد مسلحانه رویاروی با مزدوران شاه ، پدیده نوینی است که
 در سطح مبارزات انقلابی جهان کم نظیر است .
 اینها جنبه هائی است که باید برجسته شوند و همراه بسا کار
 توضیحی و افشاکاری از رژیم فاشیستی شاه ، از حقانیت مبارزات
 مسلحانه خلقهای ایران در سطح جهان دفاع شود . و کوشش در
 جلب پشتیبانی و حمایت محافل شرقی جهان از این مبارزات بعمل
 آید .
 پیروز باد مبارزه انقلابی مسلحانه در راه بسج توده ها .
 درود و افتخار به رزمندگان انقلابی که با خون خسود
 درخت انقلاب ایران را آبیاری میکنند .
 سرنگون باد رژیم مغرور پهلوی
 نابود باد سلطه امپریالیسم پسرگردگی امپریالیسم آمریکا
 در ایران

پیروز باد مبارزه انقلابی مسلحانه در راه بسج توده ها